

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر، و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی، به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک، تغییرات بنیادی در مسیر این‌گونه مطالعات، در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود. هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم‌اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این‌رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه 14 قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یادشده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند که ان‌شاءالله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که به زودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از اساتید در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در سایت عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام با سایت خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این سایت، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام‌شده به وسیله مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن سایت مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد.
از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای
رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

مقدمه مترجمان

نقد تاریخی یکی از مباحث مهم در حوزه فلسفه علم تاریخ است که در حال حاضر با رونق گرفتن مباحث معرفت‌شناختی در دانش تاریخ، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است؛ اما آنچه تاکنون درباره نقد تاریخی نوشته شده و انتشار یافته، برخلاف نقد ادبی، کمیت مطلوبی ندارد. این وضعیت حتی در آثار انگلیسی‌زبان هم بدین منوال است. کم‌وبیش آثاری هم که در این زمینه تولید شده، مبحث نقد تاریخی را بیشتر به عنوان یکی از شاخه‌های نقد ادبی مورد توجه قرار داده‌اند. حتی برخی از این آثار که عنوان اصلی «نقد تاریخی» را هم یدک می‌کشند، ذیل «نقد ادبی» بدان پرداخته‌اند.¹

وضعیت در حوزه آثار فارسی به مراتب اسفناک‌تر است. قاطعانه می‌توان گفت، هیچ اثر مستقلی درباره نقد تاریخی به زبان فارسی وجود ندارد. حتی جستجوی چند مقاله جدی هم در این باره، به نتیجه مطلوبی نخواهد انجامید. به رغم اینکه چندین دهه است که درس مستقلی در مقطع ارشد رشته تاریخ با عنوان «نقد متون تاریخی» در نظر گرفته شده، اما تاکنون تلاشی برای تهیه متن مناسبی برای آن صورت نگرفته است. استادان محترمی که در دانشگاه‌های مختلف کشور این درس را تدریس می‌کنند، همیشه از فقدان متن مناسب برای آن سخن می‌گویند.

مبحث نقد تاریخی، علاوه بر اینکه در دروس مستقلی مانند «نقد متون تاریخی» مورد توجه قرار می‌گیرد، یکی از مباحث اساسی درس «روش تحقیق پیشرفته» در مقطع ارشد و دکتری رشته تاریخ نیز به شمار می‌رود. حال اگر آثار موجود در حوزه «روش تحقیق در تاریخ» را مرور کنیم، درخواهیم یافت که مؤلفان این آثار یا هیچ توجهی به این مبحث نکرده‌اند و یا در مواردی خیلی سطحی بدان پرداخته و از آن عبور کرده‌اند.

آنچه گفته شد، برای این بود که نشان بدهیم چقدر با فقر شدید درباره متون مربوط به نقد تاریخی روبه‌رو هستیم. به جهت همین نیازی که احساس می‌شد، بر آن شدیم تا متنی عالمانه و محققانه را ترجمه و در اختیار دانشجویان و پژوهشگران فارسی‌زبان قرار بدهیم. جستجو برای یافتن متنی مناسب، مترجمان را در نهایت به کتاب ارزشمند *مصطلح التاریخ* از اسد رستم رسانید که از نظر کیفی و کمی، اثری مناسب برای متن درسی «نقد متون تاریخی» به نظر می‌رسید؛ اثری که تمامی مباحث آن درباره نقد تاریخی و مراحل مختلف آن است.

ارزش کتاب اسد رستم، بیشتر به این است که سعی کرده تبیینی بوم‌محور از این موضوع ارائه کند. با وجود اینکه آگاهی‌های زیادی از نظریات اندیشمندان غربی درباره نقد تاریخی دارد و در جای جای کتاب می‌توان آن را مشاهده نمود، با این حال مؤلف سعی کرده است خوانشی بومی از مبحث علمی نقد تاریخی برای تاریخ‌ورزان عرب ارائه کند. او سعی کرده با کمک گرفتن از مبحث نقد تاریخی، پیوند وثیقی میان دانش تاریخ و علم حدیث برقرار کند و از این روست که هیچ‌گاه شیفته دیدگاه‌های بعضاً نامتعارف غربی در این باره نشده است؛ زیرا حوزه اثر خود را آثار عربی-اسلامی و تاریخ‌شناسان منطقه عربی-اسلامی قرار داده

1. بنگرید به: Jackson, J.R., *Historical Criticism and Meaning of the Texts*, Routledge, 1989.

است و تلاش کرده به زبان و بیانی سخن بگوید که پژوهشگران این مناطق بتوانند آن را درباره متون تاریخ عربی- اسلامی تعمیم ببخشند.

آنچه گفته شد مطلقاً به این معنا نیست که او دیدگاه‌های اندیشمندان غرب درباره نقد تاریخی را نادیده می‌گیرد، بلکه به این معناست که تلاش می‌کند قرائتی بومی و خاص اندیشمندان شرقی ارائه کند و به زعم راقمان این سطور، این ویژگی از محاسن اثر حاضر است و حتی تلاش اسد رستم می‌تواند از این نظر الگوی مناسبی برای پژوهشگران ایرانی در جهت تولید آثاری بوم‌گرایانه در حوزه مباحث نظری علم تاریخ باشد. فقر مضاعفی که در حوزه مباحث نظری تاریخ‌شناسی در کشور ما وجود دارد، گاه‌گاهی ما را به سمت تطبیق برخی از نظریات مدرن با تحولات و رویدادهای تاریخ ایران و اسلام، سوق می‌دهد که به سبب وجود تفاوت‌های بنیادی، میان زمینه‌ها و بستری که آن نظریات محاط در آن شکل گرفته و تولید شده‌اند، با تحولات تاریخ ایران و اسلام، عملاً هیچ همخوانی، هماهنگی و همسانی میان آنان احساس نمی‌شود. بنابراین، آنچه در نهایت از تطبیق ناموزون میان آن نظریات و این تحولات حاصل می‌شود، نتیجه‌گیری‌های آشفته و گاه نادرست و ناروا در خصوص تاریخ اسلام و ایران است که نه تنها مشکلی از مشکلات علمی را حل نمی‌کند، بلکه به بدفهمی و یا کج فهمی درباره تاریخ اسلام و ایران می‌افزاید. بنابراین، ضرورت توجه به آثاری که سعی می‌کنند با رعایت موازین علمی، فهمی بومی از مباحث نظری در حوزه تاریخ‌شناسی ارائه کنند، بیش از پیش احساس می‌شود. براساس این احساس نیاز بود که مترجمان این اثر به ترجمه کتاب *مصطلح التاریخ* مبادرت کردند.

اما صادقانه باید گفت که این اثر ارزشمند، آن‌گونه که در شأن آن باشد، چاپ نشده است. متن چاپی مورد استفاده مترجمان مربوط به سال 2002 میلادی است و براساس جستجوهای به عمل آمده، چاپ آخرین آن است. گویا این کتاب به شکل مطلوب‌تری یک بار هم در مصر چاپ شده است که متأسفانه بدان دست نیافتیم. در مشخصات چاپی نسخه مورد استفاده «الطبعة الاولى» قید شده است، اما به نظر می‌رسد ناشران دیگری پیش از این تاریخ، چندین بار آن را منتشر کرده‌اند. چرا که مقدمه اسد رستم دارای دو تاریخ 1939 و 1955 میلادی است که همین دو تاریخ در ذیل مقدمه مؤلف نشان از چاپ‌های متعدد آن دارد. به هر حال اثر چاپ‌شده فاقد کیفیت لازم است. اغلاط تایپی فراوان و افتادگی برخی از جملات به کرات در این اثر دیده می‌شود. اگر این سهل‌انگاری‌ها را به حساب ناشر بگذاریم، برخی از ایرادات شکلی موجود در آن را نمی‌توانیم به عهده ناشر بگذاریم، بلکه مستقیماً مربوط به نویسنده می‌شود. مانند ارجاعات نادرست در مواردی و ارجاعات ناقص در خیلی از موارد که علی‌القاعده اصلاح و تکمیل آنها از وظایف مؤلف بوده است.²

اگرچه وجود اغلاط و خطاهای زیاد چاپی و متنی، کار ترجمه را سخت و دشوار کرد، با این حال سعی شد متن فارسی این اثر از حیث ایرادات و کاستی‌های یادشده به حداقل برسد. علاوه بر این، مترجمان تلاش کردند با افزودن توضیحاتی به متن، در قالب پاورقی، بر غنای اثر بیفزایند. به تقریب می‌توان گفت، این کتاب به ندرت پاورقی داشته است. بنابراین، غالب پاورقی‌ها از سوی مترجمان است که برای تصحیح خطاهای متن

2. اسامی افراد به ویژه اندیشمندان غربی غالباً در این کتاب به اشتباه ثبت شده است. جملات لاتین که به فرانسه، انگلیسی و یا آلمانی در متن و یا پاورقی‌ها آمده، اشتباه درج شده بود که البته همه این موارد تصحیح شده است.

اصلی و یا توضیحاتی درباره موضوعات و یا اعلام داخل متن است که به نظر می‌رسید می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد. با وجود این، سعی شده اغلاط و خطاهای متن اصلی برای خوانندگان به طور مرتب تکرار نشود و تنها به اصلاح آنها پرداخته شود. بنابراین، فقط با تطبیق متن اصلی با ترجمه است که می‌توان آشفته‌گی متن اصلی و تلاشی که برای زدودن این به هم ریختگی به وسیله مترجمان صورت گرفته را مشاهده کرد. مترجمان در بخش ضمائم با قرار دادن دو مقاله تألیفی درباره نقد تاریخی، سعی کردند مبحث مورد نظر را در این کتاب به شکل کامل‌تری در اختیار مخاطبان قرار دهند.

در انجام ترجمه حاضر از هم‌فکری و مساعدت استاد فرزانه‌ای بهره‌مند بودیم که همراهی ایشان بسیار مغتنم بود. استاد عزیزمان حضرت آیت‌الله عباسعلی روحانی که با مطالعه عالمانه و مدققانه اثر، نکات اصلاحی فراوانی یادآور شدند که بدون تردید در به حداقل رساندن کاستی‌های ترجمه نقش مهمی ایفا کرد. برای مترجمان این اثر، همراهی استاد روحانی به عنوان ناظر علمی این طرح پژوهشی، توفیق ذی‌قیمتی بود که سرشار از آموخته‌های جدید برایشان بود. از ایشان نهایت سپاس و قدردانی را داریم. خانم سارا مایر در ترجمه اسامی و واژه‌های آلمانی و فرانسوی کمک شایانی کردند که جا دارد بدین وسیله قدردان لطف این دانشجوی عزیز باشیم.

به نحوی دیگر لازم است از عنایت مسئولان محترم پژوهشکده تاریخ اسلام و انتشارات سمت تشکر کنیم که زمینه مناسبی برای انتشار چنین آثاری فراهم کردند. نیز از کارمندان محترم هر دو مؤسسه در بخش انتشارات، برای زحمات زیادی که متقبل شدند تا این اثر به شکل مطلوبی در اختیار خوانندگان قرار گیرد، کمال تشکر و قدردانی را داریم. نیز از کارکنان محترم بخش صفحه‌بندی و امور فنی چاپ این اثر سپاسگزاریم.

و سخن پایانی اینکه امیدواریم ترجمه متن حاضر بتواند گامی هرچند کوچک در مسیر غنابخشی هرچه بیشتر به مباحث نظری مطالعات تاریخ اسلام و ایران برداشته باشد. بی‌صبرانه مشتاق نقد و نظرهای خوانندگان گرانمایه‌ایم تا درسی روشنگرانه برای تلاش‌های پیش‌رویمان باشد.

و من الله التوفیق

مترجمان

تهران - بهار 1390

مقدمه مؤلف

قدیم‌ترین کتاب‌های تاریخ، *اسفار پنج‌گانه موسی (ع)* و *دو سفر یسوع³ و صموئیل⁴* است⁵ که در حدود سال 900 قبل از میلاد تدوین شده است. اولین کسی که روایات تاریخی را نقد کرد، هکتایوس⁶ ملطی یونانی بود. وی در قرن ششم قبل از میلاد کتابی درباره نژاد یونانی و نخستین جابه‌جایی آنان نوشت. وی در این زمینه گفته است: «من فقط حکایتی را که اعتقاد به درستی آن دارم در اینجا ثبت می‌کنم؛ برای اینکه افسانه‌های یونانی بسیارند و به نظر من چیزی جز خرافات نیستند». بعد از هکتایوس تعدادی از مورخان

3. یسوع، همان یوشع بن نون یکی از دوازده فرمانده شجاعی است که در آیه 12 سوره مائده به اشاره از آنان سخن رفته است. یوشع در داستان موسی و خضر نیز با عنوان «فتی» یعنی جوان نام برده شده است. در این داستان، یوشع جوانی بود که همراه موسی و در خدمت او بود (کَهف/60). یوشع پیامبر خدا و وصی حضرت موسی (ع) بود. حضرت یوشع از فرزندان افرائیم بن یوسف که بعد از موسی (ع) به مدت سی سال زنده بود و پس از آنکه کار بنی اسرائیل را سامان داد، به جنگ با عمالقه برخاست و شهر اریحا و سرزمین فلسطین را آزاد کرد. سفر یسوع یا صحیفه یوشع بن نون، یکی از اسفار عهد عتیق یعنی تورات است. (مترجمان)
4. صموئیل یا سموئیل که گاهی سموئیل هم گفته می‌شود، یکی از داوران شانزده‌گانه است که پس از مرگ حضرت یوشع بن نون، اداره امور کشوری و لشکری قوم یهود را بر عهده داشتند. سموئیل آخرین داور قوم یهود است که ریاست آنان را بر عهده داشت. پیش از او سه نفر به نام‌های گدعون، یفتاح و شمتون بر یهود رهبری کردند. سموئیل با اصرار و پافشاری یهود، پادشاهی به نام شائول را که از نوادگان بنیامین، برادر یوسف بود بر آنان گماشت. او جوانی شجاع و جنگاور، ولی بی‌تدبیر بود و سرانجام در جنگ با فلسطینی‌ها کشته شد و پس از او داود پیامبر رهبر قوم یهود شد. در کتاب‌های عهد عتیق، کتاب اول و دوم صموئیل، مربوط به این رهبر بنی اسرائیل است. (مترجمان)
5. پنج کتاب نخستین تورات عبارت است از: *سفر تکوین*، *سفر خروج*، *سفر لاویان*، *سفر اعداد* و *سفر استشاء*. یهودیان و مسیحیان کاتولیک این پنج سفر یا پنج کتاب را از خود حضرت (ع) دانسته و تألیف آن را در حدود قرن پانزدهم قبل از میلاد می‌دانند. مؤلف، این تاریخ را حدود قرن نهم پیش از میلاد ذکر کرده است که تاریخ دقیقی نیست. (مترجمان)
6. هکاته یا هکاتئوس ملطی (Hecataeus of Miletus) (تولد و مرگ در بازه زمانی 560 تا 418 ق.م) که نام او را از هکاته، یکی از خدایان یونانی، گرفته بودند، پژوهشگر و جغرافیدان، طراح نقشه‌ای از دنیا به همراه کتابی که به «توصیف زمین» معروف است و صاحب یک کروئولوژی از تاریخ اساطیر یونان است. هکاته از اشراف‌زادگان و سیاستمداران تأثیرگذار ایونی (بخش غربی آسیای صغیر / ترکیه) بود. او هم‌عصر تالس، آناکسیمنس، آناکسیمندر و هراکلیتوس بود، فلاسفه‌ای که بنیان‌گذاران دانش بشری به شمار می‌آیند. هکاته یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین نویسندگان زمان خود بود. هیچ یک از کتاب‌های او باقی نمانده و چیز زیادی هم از زندگی او نمی‌دانیم. حدود نیم قرن پس از مرگ او، مورخ دیگری به نام هرودوت از اهالی هالیکارناس در تنظیم کتاب تاریخ خود از نوشته‌های هکاتئوس استفاده کرد. مهم‌ترین اطلاعاتی که از زندگی هکاتئوس داریم، از نوشته‌های هرودوت به دست آمده است. او هکاتئوس را شخصی که قدرت شاهنشاهی پارس را به خوبی دریافته بود، توصیف می‌کند؛ زیرا با همین استدلال، ایونی‌ها را از طغیان بر ضد حکومت داریوش یکم برحذر داشته بود. حدود سال 500 ق.م آریستاگوراس، حاکم ملطیه، تصمیم داشت شورش در دولت‌شهرهای یونانی علیه حکومت ایرانیان به راه بیندازد. در جلسه‌ای که پاییز 499 ق.م در دربار آریستاگوراس، برای تصمیم‌گیری در این مورد برگزار شد، هکاته با برشمردن ملت‌های مطیع داریوش، شکست این شورش را پیش‌بینی کرد، اما هشدارهای او ناشنیده ماند. یونانی‌ها در ابتدا موفقیت‌هایی را به دست آوردند و حتی ساردیس / سارد را فتح کردند؛ اما خیلی زود عقب‌نشستند و در یک ضد حمله به کلی شکست خوردند. ملطیه در سال 494 ق.م ویران و در محل دیگری دوباره ساخته شد. هکاته به آریستاگوراس توصیه کرده بود که از ملطیه بگریزد و منتظر بهتر شدن اوضاع بماند؛ اما آریستاگوراس قبول نکرد و به اسارت درآمد. دیودور سیسیلی (Diodorus of Sicily) از نقش مشورتی هکاته در مذاکرات اهالی ملطیه و ساتراپ جدید این شهر «آرتافرنه»، برادر بزرگ داریوش خبر می‌دهد. مذاکراتی که به نتیجه مطلوبی برای ملطی‌ها انجامید. (مترجمان)

یونانی ظهور کردند که از خرافات و افسانه‌ها دوری می‌کردند و در مورد تاریخ به حقایق اشیاء می‌نگریستند. آنان در هر کار فکری و تحقیق، همین رویه را به کار می‌بستند، ولی تا جایی که می‌دانیم هیچ یک از آنان برای تأسیس علمی که در پرتو آن بتوان به نقد روایات تاریخی پرداخت، اقدامی نکردند.

نخستین کسانی که به نقد روایات تاریخی پرداخته، به آن نظم و سیاقی بخشیدند و قواعد و قوانینی برای آن وضع کردند، علمای اسلامی بودند؛ زیرا آنان برای درک قرآن و برپایی عدالت اجتماعی، ناچار بودند به گفته‌ها و کارهای پیامبر توجه ویژه کنند. آنان بر این باور بودند که گفته‌های پیامبر چیزی جز وحی الهی نیست. آنچه به تلاوت آمده است، قرآن و آنچه تلاوت نشده، سنت است [و برای حفظ این گنجینه ارزشمند] به گردآوری و آموزش و تحقیق و دقت در آن، روی آوردند و از این رهگذر، قواعدی را به علم تاریخ هدیه کردند که در ذات و پایه‌هایش تا به امروز مورد احترام محافل علمی است. شایان ذکر است که نقد روایات تاریخی، موضوعی است که در جای جای کتاب بدان پرداخته خواهد شد.

در قرن چهاردهم میلادی عبدالرحمن بن خلدون (1332-1406 م)⁷ مقدمه کتابش را در طبایع عمران نوشت و این طبایع را معیار و محکی برای نقد و تصحیح و تنقیح اخبار و روایات تاریخی قرار داد، به گونه‌ای که در این زمینه گامی عظیم برداشت. اگرچه ما در درستی این طبایع و در وجوب تطبیق آن بر حوادث گذشته، مخالف ابن خلدون هستیم، اما به برتری او بر مورخین پیش از وی اعتراف می‌کنیم و نمونه‌ای از سخنان ابن خلدون را در این باب در وقت مناسب، در فصول بعدی خواهیم آورد. از معاصران ابن خلدون می‌توان به فلافیوس بلوندوس⁸ ایتالیایی (1388-1463 م) اشاره کرد که در تاریخ روم کتابی به رشته تحریر درآورد و با منطق عقلی خویش به روایات تاریخی پرداخت و افسانه‌های منقول از همکاران پیش از خود را مورد نقد قرار داد تا جایی که آنها را سخنانی بیپوده و بدون فایده دانست و از این جهت بهترین همفکر برای همسایه بزرگ تونس‌اش، ابن خلدون، به شمار رفت.

اکتشافات جغرافیایی و جهش‌های علمی و فنی و بحث‌ها و جدل‌های دینی و اغراض و مطامع سیاسی و نیز جهش‌های فلسفی در قرون اخیر در اروپا به نگرش و تأمل [روشنمندان] به گذشته منجر شد تا به تاریخ توجه خاصی شود و تأمل بیشتری در صحت و سقم اخبار و روایات تاریخی گردد؛ اما با این حال تاریخ‌نویسان اروپایی در قرون پانزدهم تا هجدهم، از تاریخ گذشته برای مصالح سیاسی یا دینی سود بردند و تاریخ به عنوان تاریخ، مورد بحث و پژوهش قرار نگرفت تا به واسطه آن نیل به حقیقت محض تحقق یابد.

7. عبدالرحمن بن محمد بن محمد ابن خلدون (732-808 هـ / 1332-1406 م): فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس. اصل او از ایشیلیه و زادگاهش تونس بود. او مدتی در دربار سلاطین اندلس به کارهای دیوانی اشتغال داشت تا اینکه به سبب دسیسه‌ها و بدگویی‌هایی که از او شد به اجبار به تونس بازگشت. سپس به مصر رفت و مدتی متولی امر قضا بر اساس مذهب مالکی شد، ولی از این کار نیز کنار گذارده شد تا زمانی که به ناگهان در قاهره وفات یافت. بیشتر شهرت ابن خلدون به خاطر کتاب معروفش: العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر است که در هفت جلد به چاپ رسیده است. جلد اول آن به نام مقدمه از نخستین تألیفات در زمینه تاریخ جامعه‌شناختی به شمار می‌آید و از این رو از متن العبر اهمیت بیشتری یافته و به زبان‌های مختلف نیز ترجمه شده است. (مترجمان)

8. فلافیوس بلوندوس (1388-1462 م)، اندیشمند ایتالیایی. وی معاصر ابن خلدون بود و همانند وی از آثار باقی‌مانده برای نقد اخبار و اطلاعات تاریخی استفاده می‌کرد. تفاوت او با ابن خلدون در این است که وی هیچ‌گاه مانند ابن خلدون موفق به وضع قواعد نقد تاریخی نشد، کاری که ابن خلدون در مقدمه العبر از عهده آن برآمد. (مترجمان)

نخستین کسی که خواستار انتقال تاریخ از میدان دشمنی و جنگ به مجالس درس و تحقیق شد، دانشمند ایتالیایی، جیامباتیستا ویکو⁹ (1668-1744) بود که افلاطون¹⁰ و گروتیوس¹¹ را مورد بحث و پژوهش قرار داد. پژوهش‌های وی در مورد افلاطون، او را به بررسی برخی از مسائل تاریخی و فلسفی وادار کرد و بررسی درباره گروتیوس، او را به مطالعه فلسفه قانون مجبور ساخت. در سال 1725 کتابش با عنوان *اصول علم جدید* را به رشته تحریر درآورد و در آن تاریخ را شاخه‌ای از علم جامعه انسانی دانست و اظهار داشت که پژوهش حقیقی تاریخی، بر اصول دقیق منطقی استوار است. از آغاز و مبدأ گسترش و تحول [انسانی] سخن گفت و درباره تدابیر خالق سکوت اختیار کرد. وی منتسکیو¹² را به خاطر عدم تعصب و استقلال رأیی که تغییر حکومت در فرانسه و انگلیس را به دنبال داشت، ستود و بین آراء این دو (افلاطون و گروتیوس) توازن

9. ویکو (1668-1744 م) دانشمند ایتالیایی و استاد منتسکیو اولین کسی بود که به لزوم تحول اندیشه تاریخی از عرصه جنگ و مبارزه به عرصه علم و دانش اشاره کرد. وی تاریخ را شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌دانست. او معتقد بود که مطالعات و مباحث تاریخی باید بر مبنای اصول منطقی پی‌ریزی شود. (مترجمان)

10. افلاطون یا فلاطون (347-427 ق.م)، دومین فیلسوف از فیلسوفان بزرگ سه گانه (سقراط، افلاطون و ارسطو) یونانی است که در میان این سه، او بود که پایه‌های فلسفی فرهنگ غرب را بنا گذاشت. تأثیر او بر فلسفه اسلامی نیز قابل توجه است. او در آتن در خانواده‌ای آتنی متولد شد و دو برادر و یک خواهر تنی و دو برادر ناتنی داشت. وی در بیست سالگی برای تکمیل معارف خود شاگرد سقراط شد. این مصاحبت و شاگردی به مدت ده سال ادامه یافت. پس از اعدام سقراط در 399 ق.م، افلاطون آتن را ترک کرد. او برای چندین سال در شهرهای یونان و کشورهای بیگانه به گردش پرداخت. پس از سفری به سیسیل در سال 388 ق.م به آتن بازگشت و مکتبی فلسفی ایجاد کرد که به نام آکادمی مشهور بود. تعلیمات وی در آنجا بر اثر دو بار سفری که در سال 366 و 361 به سیسیل داشت، به تعویق افتاد. افلاطون در سال 347 ق.م در گذشت و رهبری آکادمی را به خواهرزاده خود که شاگردش نیز بود، واگذاشت. مهم‌ترین کتابی که از افلاطون به جای مانده، رساله *جمهور* است. بعضی از افلاطون‌شناسان معتقدند، افلاطون جملاتی را به این رساله اضافه کرده و در حقیقت وی صحبت‌ها و اندیشه‌های خود را از زبان سقراط بیان کرده است. (مترجمان)

11. گروتیوس (Grythius: 1583-1645 م)، بنیان‌گذار قوانین بین‌المللی. وی در هلند می‌زیست و در پانزده سالگی نقش عمده‌ای در مذاکرات تجاری هلند به عهده داشت و از آن تاریخ به بعد کتاب‌های مهمی نوشت. در آن زمان در هلند تعلیم دینی حاکم، از این عقیده دفاع می‌کردند که انسان در تغییر مسیر رستگاری خود به میل خودش، آزاد نیست. این طرز تفکر با این عقیده سیاسی بسیار نزدیک بود که بشر حق قانون‌گذاری ندارد. علاوه بر آن، از این ایده نیز دفاع می‌کرد که انسان فاقد صلاحیت برای اداره امور شخصی خود است. گروتیوس بر خلاف این عقیده رایج، اعتقاد زیادی به اختیار و آزادی اندیشه و آزادی هر کشور در وضع قوانین برای خود داشت. او به سبب داشتن این تفکرات از سوی کلیسا محکوم به ارتداد شد و به زندان افتاد. وی با نقشه‌ای از زندان گریخت و به فرانسه رفت و در آنجا کتاب *بزرگ خود درباره قانون جنگ* و صلح را تألیف کرد. بزرگ‌ترین نقش این کتاب در استنباطش از روابط میان دولت‌هاست. به عقیده گروتیوس هر دولتی دارای حق حاکمیت ملی است یعنی: حق قانون‌گذاری و تسلط بر سرنوشت خویش. حق حاکمیت ملی همچنین در صحنه بین‌المللی به وسیله اصول اخلاقی محدود شده است. اگر کشوری مرتکب بعضی اعمال بسیار ناخوشایند بر ضد مردم خود بشود، مانند شکنجه و یا کشتار جمعی، شاید کشور دیگری برای کمک به آنها مداخله کند، یعنی آنچه امروز «مداخله بشردوستانه» خوانده می‌شود. عقاید گروتیوس و دیگر فیلسوفان هم‌رأی او، زیربنای اندیشه تأسیس سازمان ملل متحد شد. (مترجمان)

12. شارل لوی دی سیکوندا، معروف به منتسکیو (Montesquieu: 1689-1755 م)، فیلسوف فرانسوی در شهری در جنوب غربی فرانسه به دنیا آمد. در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و در سال 1714 به عضویت پارلمان فرانسه درآمد. مهم‌ترین اثر منتسکیو کتابی است به نام *روح القوانين* که در آن به توضیح سه نوع حکومت پادشاهی، دیکتاتوری و جمهوری می‌پردازد. این کتاب در تدوین قانون اساسی امریکا و اعلامیه حقوق بشر تأثیر بسزایی داشته است. (مترجمان)

برقرار کرد. در سال 1694-1778 ولتر¹³ به صحنه آمد و با نقد تند خویش، به عمق عناصر قدرت و ضعف در فرانسه پرداخت و تلاش کرد تا تاریخ مستقل و آزادی در حوزه فرهنگ ایجاد کند، ولی این دو یعنی ویکو و ولتر خیلی زود و قبل از تکمیل مبحث نقد منابع و پردازش آن، نگارش را آغاز کردند.

در قرن شانزدهم، دولت‌ها در اروپا نظم یافتند و نوعی تعصب و علائق ملی‌گرایانه، به شکل جدیدی رخ نمود. بنابراین، تاریخ‌نگاران در کشورهای غربی شروع به جمع‌آوری منابع تاریخی کردند که این اقدام با هدف ایجاد انگیزه افتخار به گذشته انجام می‌شد. مهم‌ترین مجموعه از مجموعه‌های تاریخ ملی، مجموعه تاریخ قرون وسطی است که راهبان بندیکتی¹⁴ از گروه قدیس مور¹⁵ در نیمه قرن هفدهم آن را منتشر کردند. واقعیتی که نمی‌توان نادیده گرفت، نامه جان مابیون¹⁶ در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک سال 1681 م

13. ولتر (Voltaire)، فرانسوا ماری آرویه (1694-1778 م)، نویسنده و فیلسوف فرانسوی. وی در یکی از محله‌های شهر پاریس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در مدرسه‌ای مذهبی آغاز کرد. علی‌رغم فراگیری علوم دینی در مدرسه‌ای مذهبی، به بسیاری از باورهای مسیحی شک داشت. از این رو مدتی در زندان باستیل حبس شد. در این دوران به مطالعه اشعار هومر پرداخت و تحت تأثیر آن به خلق نمایشنامه «هنریاد» دست زد که در آن هنری چهارم برای ملکه الیزابت، داستان آزار و شکنجه پروتستان‌ها را بازگو می‌کند. وی پس از آزادی، این نمایشنامه را چاپ کرد که با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. ولتر بار دیگر به خاطر اظهار نظرهای صریح سیاسی دستگیر شد و این بار به مدت سه سال به انگلستان تبعید شد. پس از بازگشت، کتاب نامه‌هایی از انگلستان را چاپ کرد. این کتاب دردسر بزرگی برای وی به وجود آورد و او مجبور به فرار شد. بعد از بازگشت دوباره به پاریس به عضویت آکادمی فرانسه درآمد. بعد از آن به خاطر دعوتی که از وی شده بود، سه سال در یکی از قصرهای پروس اقامت گزید و پس از بازگشت، نخستین اثر فلسفی در موضوع تاریخ را با عنوان مقاله‌ای در باب آداب و روح ملت‌ها به رشته تحریر درآورد. در این کتاب، وی تلاش کرده است که علل و اسباب طبیعی را که در تطور اندیشه ملل اروپایی نقش داشته است، تحلیل کند. ولتر سرانجام در 1788 بعد از اینکه سنگ بنای انقلاب فرانسه و امریکا را بنیان نهاد، چشم از جهان فرو بست. (مترجمان)

14. راهبان پیرو بندیکت را بندیکتی می‌گفتند. آنان برای نشان دادن وفاداری خود به صومعه، وسط فرق سرشان را می‌تراشیدند. بندیکت از پیروان خود می‌خواست تا روی مزارع کار کنند و دست‌نوشته‌های مذهبی را نسخه‌برداری و به کتابخانه تقدیم کنند و وقت خود را به تدریس بگذرانند. بندیکت معروف به بندیکت فورسای مقدس (480-540 م)، راهبی ایتالیایی بود که در حدود سال 530 م قوانین خود را تنظیم کرد و پس از آن، جامعه راهبان مونته کاسینو در ایتالیا را تأسیس کرد. بندیکتی‌ها، شعارشان زندگی ساده و فقیرانه همراه با کار بدنی بود. آنان سه پیمان می‌بستند: (1) پیمان فقر که در این پیمان متعهد می‌شدند همه اموال خود را خرج تبلیغ دین کنند؛ (2) پیمان پاکدامنی که بر اساس آن ملزم می‌شدند هرگز ازدواج نکنند؛ (3) پیمان اطاعت که در این پیمان به پیروی از همه قوانین کلیسا، پایبند می‌شدند. در قرن هفتم میلادی اکثر مجموعه‌های اروپای غربی بر اساس قوانین بندیکت مقدس، اداره می‌شد. در حوالی سال 1400 م نظام بندیکتی دارای 15 هزار دیر بود، ولی در پی نهضت اصلاح‌طلبی و انقلاب فرانسه، به صورت چشمگیری کاهش یافت. در سال 1815 م پیروان بندیکت مقدس به چهارصد عضو کاهش یافت که در سی دیر ساکن بودند. در قرون 19 و 20 م رشد یافتند و در سال 1975 م تعدادشان به بیش از 12 هزار عضو رسید که حدود دویست دیر در اختیار داشتند. بندیکتی‌ها روی جنبه عبادی تمرکز خاصی دارند و زیباترین عشای ربانی در نمازخانه‌های بندیکتی برگزار می‌شود. (مترجمان)

15. توماس مور (1478-1535 م)، فرزند قاضی عالی‌مقامی در انگلستان بود. در آکسفورد تحصیل کرد و حقوق‌دانی شد که دستمزدهای کلان می‌گرفت. او در زمانی که حقوق‌دان و دولتمرد بود، پشمینه می‌پوشید و کنده درختی را زیر سر می‌گذاشت و بر نیمکت چوبین می‌خوابید. مدتی معاون کلانتر لندن شد. او لرد بود و مدتی هم رئیس مجلس عوام شد. مدتی نیز مأموریت دیپلماتیک داشت و از طرف هنری هشتم در هلند سفیر بود. او با نوشتن کتاب اتوپیا (آرمان شهر) پیش‌طیعه سوسیالیسم شد. توماس مور با نه گفتن به هنری هشتم اعدام شد و کلیسای کاتولیک او را قدیس نام نهاد. (مترجمان)

16. ژان مابیون (1623-1707 م)، عضو ارشد شاخه فرانسوی فرقه راهبان بندیکتی که نقش برجسته او در ایجاد و پروراندن روش‌های

است که آغاز پژوهش‌های علمی جدید در حوزه نسخه‌های خطی است. در قرن هجدهم سلسله دیگری از این نوع تألیفات به وجود آمد. از جمله آنها می‌توان به کتاب 25 جلدی موراتوری¹⁷ (که بین سال‌های 1723 تا 1750 میلادی چاپ شد) و مجموعه توماس هرن¹⁸ انگلیسی در مورد تاریخ قدیم انگلستان اشاره کرد. بنابراین، مورخین قرن نوزدهم میلادی نسبت به مورخان پیش از خود، منابع زیادی برای رجوع به آن و تأمل و دقت و مقارنه برای رسیدن به حقایق در اختیار داشتند.

در سال 1795 ولف¹⁹ آلمانی، مقدمه مشهور خود بر مجموعه اشعار هومر²⁰ را نوشت که سروصدای

جدید تاریخ‌پژوهی از مدت‌ها پیش برای اهل فن شناخته شده است. به نوشته او کسی که سال‌ها با اسناد باستانی آشنا باشد، می‌تواند درباره صحت و سقم این اسناد کسب مهارت کند و گرچه هر یک از دلایل و شواهد به تنهایی ممکن است چندان وزنی نداشته باشد، حکم او امکان دارد به احتمال قریب به یقین درست از کار درآید. سبب این است که در چنین حکمی معنای کلی یا تأثیر عمومی دلایل از حیث کیفی ارزیابی می‌شود و مجموع اتفاقات و مقارنات و اوضاع و احوال مورد سنجش قرار می‌گیرد. (مترجمان)

17. لوئیس آنتوان موراتوری (1750-1672 م)، دانشمند ایتالیایی. وی در کتابخانه میلان و اداره اسناد مودینا کار می‌کرد. (مترجمان)

18. توماس هرن (1735-1678 م)، فرزند جرج هرن است. جرج هرن کنشیش انگلیسی بود. توماس، آموزش‌های ابتدایی را نزد پدر خود فرا گرفت و سپس به وسیله همسایه ثروتمندی به نام فرانسیس چری که به استعداد فوق‌العاده او پی برده بود، برای آموزش زبان لاتین به مدرسه‌ای در بری سپرده شد و تا سال 1696 در آنجا تحصیل کرد. پس از آن در کالج سنت ادمندهال دانشگاه آکسفورد پذیرفته شد. دکتر جان میل، رئیس دانشگاه، او را برای مقایسه نسخه‌های خطی استخدام کرد. در سال 1699 م لیسانس گرفت و معاون کتابداری کتابخانه بودلین شد. در سال 1712 م به مقام دومین کتابدار کتابخانه ارتقا یافت. او به دلیل عدم ابراز وفاداری به جورج اول، پادشاه انگلستان، منصب کتابداری را از دست داد و به نویسندگی مشغول شد. تاریخ انگلیس را تألیف کرد و تواریخ قدیمی را به رشته تحریر درآورد که برای دانشجویان تاریخ بسیار مهم و راهگشا بود. نوشته‌های روبرت از گلاستر، نوشته‌های والتر همینگ برو و نوشته‌های اسکاتلندی جان فوردان، از آثار مهم اوست. زندگی آلفرد به نقل از سر جان اسپلمن جزء آخرین کارهای اوست. توماس هرن سرانجام در همان شهر آکسفورد در سال 1735 م درگذشت.

19. فردریش آگوست ولف (Friedrich August Wolf: 1824-1759 م)، دانشمند بزرگ آلمانی است. پدر او نوازنده ارگ و مدیر مدرسه بود. زمانی که خانواده‌اش به نوردهاسن نقل مکان کردند، ولف تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا به پایان برد و هم‌زمان به آموختن زبان فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی و همچنین موسیقی پرداخت. همه آنچه را که معلمان در مورد زبان لاتین و یونانی می‌توانستند آموزش بدهند، یاد گرفت. در سن هجده سالگی به دانشگاه گوتینگن رفت. برای رساله تحقیقی خود موضوعی را انتخاب کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بود و مورد قبول واقع شد. کریستین گاتلاب هین که نفر اول آن دانشگاه بود و با ولف رابطه خوبی نداشت، پی‌درپی واحدهای درسی ولف را حذف می‌کرد و با سختگیری بیش از حد، نظریات ولف در مورد هومر را محکوم می‌کرد، ولی ولف مطالعات خود را در کتابخانه دانشگاه دنبال کرد. او بین سال‌های 79 تا 83 در دانشگاه ایفلد و استرود به تدریس مشغول بود، در امر تدریس بسیار موفق بود و فرصت یافت تا یکی از مقالات افلاطون را ویرایش کند که بسیار مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و موجب ارتقای وی به استادی دانشگاه پروشیااله شد. ولف در سال‌های آخر زندگی دچار گرفتاری‌های کاری و بیماری شد و به توصیه دوستانش به شمال فرانسه رفت و در شهر مارسی در سال 1824 م درگذشت و همان‌جا مدفون شد. (مترجمان)

20. هومر (قرن نهم ق.م)، شاعر و داستان‌سرای یونانی بود. از زندگی هومر چیزی در دست نیست و تنها اطلاع ما از او به خاطر دو داستان مشهورش یعنی *ایلیاد* و *اودیسه* است. هرچند برخی از مورخان بر این باورند که این داستان‌ها حاصل کار جمعی تعداد زیادی از شاعران بوده و دستاورد یک نفر نیست، ولی هرودوت، مورخ معروف، معتقد است که داستانسرای به نام هومر وجود داشته که در قرن نهم قبل از میلاد می‌زیسته است. به علاوه، هومر داستان نبرد تروا با یونانیان را که در آن شکی نیست، در

زیادی در مجامع فرهنگی، ادبی و تاریخی در آلمان و خارج از آن ایجاد کرد؛ زیرا ولف اشاره کرده بود که نه هومر و نه کس دیگری به این نام، *ایلیاد* و *اودیسه* را ننوشته است، بلکه گروهی از شاعران در زمان‌های بسیار دورتر آنها را به نگارش درآورده‌اند. مقدمه جنجالی ولف سبب شد تا شاگردش، آگوست باخ، منابع تاریخی یونانی در موضوع اقتصاد سیاسی در آتن (1817) را نقد کند. بارتولد نیبور²¹ آلمانی، فرزند جهانگرد مشهور، کارستن نیبور²²، نویسنده کتاب سه‌جلدی درباره جزیره‌العرب، اقدام به نقد دقیق منابع رومی چون نقد ولف کرد و کتاب خود به نام *تاریخ روم* را نوشت. وی در این مسیر از روش علمی جدیدی بهره گرفت و از افسانه‌ها و داستان‌های روم، آن تعداد اندکی را که رگه‌هایی از حقیقت در آنها نهفته بود ذکر کرد و در نتیجه تاریخ روم را احیا نمود و آن را در جایگاه علمی مستقلی قرار داد.

در قرن نوزدهم گروهی از دانشمندان آلمانی به نقد جدید اعتقاد و ایمان پیدا کردند و [سبک] آلمان را معلم استادان همه جهان در فن تاریخ جدید قرار دادند. بی‌شک پیشگام در سبک آلمانی هم لئوپولد فن رانکه (1795-1886)²³ است که در ویه متولد و در برلین از دنیا رفت. وی نمونه پاکی و عدالت و پیشگام

منظومه *ایلیاد* خود بیان کرده است و این خود می‌تواند سبب اعتماد به شخصیت تاریخی او باشد. (مترجمان)

21. بارتولد جورج نیبور (Barthold Georg Niebuhr: 1776-1831 م)، سیاستمدار، مورخ و زبان‌شناس آلمانی است. او با روش جدید خود در نقد مصادر و اسناد، باب جدیدی در تحقیقات تاریخی گشود. روش کار او بعدها مورد تقلید بیشتر مورخان قرار گرفت. او بنیان‌گذار تاریخ‌نگاری علمی مدرن محسوب می‌شود. مورخان، نیبور را پیشرو عصر رمانتیک و نماد روحیه ملی‌گرایی آلمان که پس از شکست «جنا» اوج گرفت، می‌دانند. نیبور در پیش‌فرض‌های خود و در تأکید بر پدیده‌های جزئی و کلی در تاریخ، به شدت تحت تأثیر روحیه کلاسیک عصر روشنگری قرار داشت. وی فرزند کارستن نیبور، جهانگرد و جغرافی‌دان معروف آلمانی است. بارتولد نیبور پس از تکمیل تحصیلات در دانشگاه کیل، به ریاست دفتر وزیر دارایی هلند منصوب شد. در سال 1798 م این منصب را رها کرد و به انگلستان رفت و در دانشگاه ایدنبرگ به تحصیل کشاورزی و فیزیک پرداخت. در هلند مدتی به منصب وزارت رسید، ولی در سال 1810 م همه کارهای اجرایی را کنار گذاشت و به دانشگاه برلن پیوست. در عین حال به سمت تاریخ‌نگار سلطنتی نیز منصوب شد. از مشهورترین آثار نیبور، می‌توان به تاریخ اشاره کرد. (مترجمان)

22. کارستن نیبور (1733-1815 م) در هانوفر آلمان به دنیا آمد. او فرزند کشاورزی معمولی بود. چند سالی از جوانی خود را به کارهای کشاورزی گذرانید، ولی علاقه‌مند به ریاضیات بود. مدتی در زمینه مساحی درس خواند. هنگام خواندن همین درس، یکی از آموزگاران او به وی پیشنهاد کرد تا به سه گروهی بپیوندد که از سوی فردریک پنجم، پادشاه دانمارک، برای اکتشافات علمی و جغرافیایی به مصر و عربستان و سوریه می‌رفتند. او به خاطر آمادگی برای این سفر، یکسال و نیم پیش از سفر به آموختن ریاضیات و مقداری هم زبان عربی روی آورد و بالأخره در ژانویه 1761 م سفر را آغاز کرد. در این سفر از مصر، سوئز، کوه سینا، جده و موخا دیدن کرد، به بمبئی رفت و پس از چهارده ماه اقامت در بمبئی، از راه مسقط، بوشهر، شیراز، تخت جمشید، بیستون، خاور نزدیک و قسطنطنیه به دانمارک بازگشت. سفر نیبور به ایران، هم‌زمان با اوایل حکومت کریم‌خان زند بود. نیبور سفرنامه معروفی دارد که در سال 1354ش به فارسی ترجمه شده است. (مترجمان)

23. لئوپولد فن رانکه (Leopold von Ranke) در خانواده‌ای مذهبی از کشیشان معتقد به پروتستان‌تسم و حقوق‌دان، در آلمان به دنیا آمد. شهر کوچک ویه از ایالت تورینگن زادگاه او بود. رانکه تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ای به نام دونودورف که در صومعه‌ای قدیمی نزدیک محل سکونت خانواده‌اش بود، گذراند و برای آموزش متوسطه به مدرسه معروف شولفورتا که بعدها نیچه نیز به آنجا رفت، می‌رود و تحصیلات عالی خود را در رشته الهیات و زبان‌شناسی تاریخی در دانشگاه لایپزیک به پایان رسانید. در نتیجه مطالعات زبان‌شناسی و متأثر از هردر، شاعر و فیلسوف دوره رمانتسم آلمان و بیش از همه تحت تأثیر فیلسوف و ایدئالیست آلمانی «فردریش شلینگ» به تاریخ روی آورد. در اوایل کار هنوز در دبیرستان درس می‌داد که نخستین اثر مهم او، *تاریخ اقوام رومی و ژرمنی* از سال 1494 تا 1514 م انتشار یافت و سبب انتصاب وی به استادی دانشگاه برلن شد. در آن ایام،

کشف حقیقت خالص [تاریخی] بدون دخالت هیچ غرض [مورخانه] بود که با تلاش زیاد و تحقیق روی موضوعات مختلف در تاریخ ایتالیا، ترکیه، صرب، انگلستان، فرانسه و تاریخ کنیسه، کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورد. او در سن هشتاد سالگی، شروع به نگارش تاریخ عمومی کرد که هفت جلد از آن را تکمیل کرد و در سن 91 سالگی از دنیا رفت و پس از مرگ او گروهی از شاگردانش کار وی را ادامه دادند و نگارش این مجموعه را کامل کردند. نقد نیبور آلمانی بر منابع تاریخ روم، دانشمند آلمانی دیگری به نام تئودور مومسن²⁴ (1817-1903) را وا داشت تا تاریخ عمومی روم و نیز کتاب دیگری در تاریخ ولایات آن بنویسد که تا به امروز همواره به عنوان دو مرجع مهم برای تاریخ کلاسیک به شمار آمده است.

مورخان فرانسوی، تلاش‌های ارزشمندی در نقد مراجع نخستین تاریخ در مدرسه اسناد تاریخی که در سال 1821 م تأسیس کرده بودند، انجام دادند. آنها توجه خاصی به نقد اسناد قرون وسطی داشتند و قواعد اساسی برای علوم مربوط به علم تاریخ وضع کردند؛ علمی مانند علم دیپلماسی، علم مهرشناسی، هنر پالئوگرافی²⁵ و علمی که مورخ قرون وسطی جهت درک و فهم مراجع نخستین تاریخ و نقد علمی آن، ناچار به پرداختن به آن بوده است. از مشهورترین شاگردان این مدرسه می‌توان از بنیامین گیوار، گابریل مونو²⁶ و فوستیل دوکولانژ²⁷ نام برد.

در دانشگاه برلن، هگل استاد فلسفه بود. متکلم نامور شلایر مآخر، استاد الهیات و ساوین بی، حقوق‌دان برجسته آلمانی، استاد حقوق بود. رانکه نیز به جمع این ستارگان طراز اول جهان اندیشه در برلن پیوست. آثار مفصل و چندجلدی رانکه درباره تاریخ اصلاح دین در آلمان، یا تاریخ پروس در سده‌های هفدهم و هجدهم، یا تاریخ فرانسه در سده‌های شانزدهم و هفدهم، یا تاریخ انگلستان در همان دوره، هر یک شاهکاری از دقت و وسعت پژوهش و شیوایی روایت است. در نیمه دوم سده نوزدهم، رانکه به اوج شهرت و افتخار رسیده بود و مهم‌ترین مورخ زنده عصر به شمار می‌آمد. در همان ایام در سن هشتاد و دو سالگی و به رغم چشمان تقریباً نابینا، رانکه کمر به نگارش تاریخ جهان بست و 9 جلد آن را به پایان برد و آن را به قرن نوزدهم رسانید، ولی سرانجام در سال 1886 م در برلن از دنیا رفت. (مترجمان)

24. تئودور مومسن (Theodor Mommsen: 1817-1903 م)، داستان‌نویس و مورخ آلمانی. تخصص وی در زمینه تاریخ روم بود و به مسائل سیاسی اشتغال داشت. وی چند کتاب در زمینه تاریخ و بعضی از داستان‌های تاریخی، نوشته است. وی در سال 1902 موفق به کسب جایزه نوبل شد. اهمیت تألیفات مومسن به خاطر نگاه علمی وی به تاریخ است. (مترجمان)

25. دانش قرائت خطوط باستانی، دیرین‌نگاری و کتیبه‌نگاری است. به شیوه‌های قدیم خط‌نویسی اطلاق می‌شود و آن را علم خط‌نویس‌های قدیمی نیز گفته‌اند. تاریخ استفاده آن به قرن 18 میلادی برمی‌گردد. در پالئوگرافی، سه زمینه به طور مشخص مطرح شده است که عبارت‌اند از: زمینه یونانی، زمینه رومی و لاتینی، و زمینه قرون وسطایی مغرب‌زمین و رنسانس. (مترجمان)

26. گابریل مونو، مورخ مشهور فرانسوی و برادرزاده آدولف مونو، در سال 1844 م در اینگوویل فرانسه به دنیا آمد و در سال 1912 م درگذشت. مونو پس از تحصیلات ابتدایی راهی پاریس شد و در آنجا به خانواده پرنسس پیوست. زندگی با خانواده پرنسس تأثیر عمیقی در او به جای گذاشت. ادموند پرنسس یک کشیش و متکلم روشن‌بین بود و همسرش مادام پرنسس نیز زنی بسیار روشنفکر و دارای احساسات پاک بود. مادام پرنسس زندگی خود را وقف تعلیم و تربیت و امور خیریه کرده بود. در سال 1865 م مونو پاریس را به مقصد آلمان ترک کرد و در دانشگاه‌های کاتینگن و هامبولد در برلن به تحصیل پرداخت. او تحت تأثیر جورج ویتز به تاریخ قرون وسطی علاقه‌مند شد. در سال 1868 م پس از بازگشت از آلمان به دستور ویکتور دورو، کلاس‌های درس تاریخ را در مؤسسه اکوله آغاز کرد و با تکیه بر روش تدریس مدارس علمی آلمان، به تدریس پرداخت. (مترجمان)

27. صاحب اثر معروف تمدن قدیم، این کتاب به وسیله نصرالله فلسفی در سال 1309 به فارسی برگردانده شده است. دوکولانژ در این کتاب به وضوح نقش دین در زمینه تحولات سیاسی و اجتماعی در یونان و روم را بیان کرده است. (مترجمان)

موضوع دقت در منابع و مراجع تاریخی، از آلمان و فرانسه به انگلستان کشانده شد. سپس سرفرانسیس پالگریو²⁸ (1861-1788) و جان میشل کمپل (1857-1807) تاریخ جزایر انگلستان در دو دوره ساکسونی و نورماندی را مورد بررسی دقیق قرار دادند و بدین‌گونه دوره جدیدی را در تاریخ‌نگاری جزایر انگلستان آغاز کردند. در نیمه قرن نوزدهم، تعدادی از دانشجویان امریکایی در مدارس آلمانی، تاریخ را با اسلوب جدید خواندند. از مشهورترین افراد قدیمی در این مدارس، می‌توان از هنری آدامز²⁹ نام برد که در دانشگاه هایدلبورگ درس خواند و در دانشگاه جان هاپکینز³⁰ تدریس کرد. جان برگس³¹ بعد از بازگشت از آلمان، مدرسه علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا را به تقلید از آنچه در برلین مشاهده کرده بود تأسیس کرد. به رغم توجه به منابع تاریخی و جمع‌آوری و انتشار آن از یک‌سو و رشد روحیه بی‌طرفی و دوری از اظهار نظرهای شخصی و پیشرفت شیوه علمی در بحث و افزایش توجه به آن در تمام محافل علمی در اروپا و امریکا، هنوز برخی از مورخین و فلاسفه دچار عواطف و احساسات شده موجب گمراهی خود و دیگران می‌شوند. فلاسفه هنوز برای اثبات آراء خود از تاریخ کمک می‌گیرند؛ در حالی که تاریخ را به درستی و با دقت و تأمل مطالعه نمی‌کنند و چه بسیار فیلسوفانی که نسبت به تاریخ جاهل‌اند و به خود زحمت مشورت نیز نمی‌دهند و از تاریخ چیزی را نقل می‌کنند که در تاریخ وجود ندارد.

بعضی از استادان تاریخ، این ضعف را احساس کرده و اقدام به برطرف کردن آن نموده‌اند. از جمله آنها می‌توان از گابریل مونو نام برد. وی در سال 1876 م با انتشار اولین شماره مجله‌اش، با موضوع تاریخ فرانسه،

28. فرانسیس پالگریو (1861-1788 م) مورخ انگلیسی و فرزند مرکوهن یهودی است. پدرش دلال سهام بود. فرانسیس در ابتدا برای کارآموزی دوره منشی‌گری، در مؤسسه‌ای که کار و کالت انجام می‌داد، به کارآموزی مشغول شد و تا سال 1822 م به عنوان سرمنشی در این مؤسسه ادامه کار داد. در حدود سال‌های 1814 م فرانسیس پالگریو شروع به نوشتن مقاله برای مجله *ایدنبرگ ریویو* کرد. او در سال 1819 م با داوسن ترنر و دختر او الیزابت آشنا شد و به آنان پیشنهاد نسخ‌خوانی و تصحیح کتاب ترنر را با عنوان کتاب *نورمندی* داد. در سال 1821 م با حمایت ترنر به عضویت انجمن سلطنتی درآمد. قبل از ازدواج با الیزابت ترنر به آیین مسیحیت انگلیکن درآمد و در سال 1823 م با الیزابت ازدواج کرد. او در این هنگام فامیل خود را نیز به پالگریو (نام خانوادگی مادرزنش) تغییر داد. *تاریخ انگلستان*، ظهور و توسعه دولت انگلستان، حقایق و افسانه‌های قرون وسطی و تاریخ نورمندی و انگلستان، آثار علمی برجسته اوست. (مترجمان)

29. هنری بروکس آدامز (Henry Adams: 1918-1838 م)، نویسنده امریکایی ابتدا در زمینه روزنامه‌نگاری و مسائل سیاسی فعالیت می‌کرد، ولی آنها را کنار گذاشت و به نگارش کتاب‌های تاریخی و زیست‌نامه‌نویسی روی آورد. بزرگ‌ترین اثر او *زندگینامه شخصی خودش* است که با نام *تربیت هنری آدامز* در سال 1918 م به چاپ رسید. این اثر از بهترین کتاب‌های زندگینامه‌ای در ادبیات غرب به شمار می‌رود. (مترجمان)

30. جان هاپکینز (1873-1795)، بانکدار و از دولتمردان امریکایی بود. طبق وصیتی که کرده بود، یک بیمارستان و یک دانشگاه به نام او در شهر بالتیمور ساختند که برای ساخت آنها بیش از هفت میلیون دلار هزینه شد. (مترجمان)

31. جان ویلیام برگس (1931-1844 م)، از نخستین دانشمندان علوم سیاسی امریکا بود. او در تنسی متولد شد و در جنگ‌های داخلی امریکا برای اتحادیه‌ها جنگید. او در رشته تاریخ از کالج امپرست به سال 1867 م فارغ‌التحصیل شد و سپس مطالعات خود را در دانشگاه‌های گوتینگن، لایپزیک و برلن زیر نظر استادان آلمانی معروفی مانند یوهان گوستاو درایسون، ویلهم روچر اقتصاددان، مورخ مشهور، تنودور مومسن (که مطالعه او بین رابطه تاریخ و قانون روی برگس تأثیر فراوان داشت) و رودلف ون ادامه داد. او به امریکا برگشت و روش‌های تحقیق و مطالعه‌ای را که در آلمان فرا گرفته بود، در امپرست کالج و سپس در دانشگاه کلمبیا به کار گرفت. وی در سال 1876 م به مقام پروفیسوری در دانشگاه کلمبیا دست یافت و تا زمان بازنشستگی در این مقام باقی ماند. نقش او در تأسیس دانشکده علوم سیاسی این دانشگاه بسیار مهم بود و رشته دکتری را در همین زمینه پایه‌ریزی کرد. او سرانجام در سال 1931 م در سن 87 سالگی درگذشت. (مترجمان)

همواره از عمومیت دادن چیزی قبل از احاطه کافی بر آن خودداری می‌کرد و قبول کردن روش خاصی از روش‌های فلسفی و نگارش تاریخ بر آن طریق، پیش از آگاهی از حقایق تاریخی را خطری جدی می‌دانست. به زعم وی، اظهار نظر درباره تاریخ باید به دور از هر گونه نگرش فلسفی باشد. وی این رویه را تا سال وفاتش یعنی 1912 م ادامه داد. بعضی از استادان تاریخ‌نویس، تربیت مورخان جوان را بر اساس تربیت علمی واقعی متناسب با شرایط زمانه و روش‌های خاص رایج در علوم تجربی پیشنهاد کردند و از مشهورترین کسانی که به این کار اقدام کرد، استاد دکتر ارنست برنهایم³² بود. وی در دهه هشتم قرن نوزده میلادی، در این زمینه کتابی نوشت و در آن با مثال‌های دقیق و مفصل، گام‌های مثبتی را که مورخ باید بردارد، و موانع و مشکلاتی را که ممکن است سد راه او شود شرح داد. همچنین کیفیت رفع مشکلات و گمراهی‌هایی که دامنگیر مورخ می‌شود و چگونگی دوری از آن را بیان کرد. وی این کتاب را در سال 1889 م انتشار داد که بارها تجدید چاپ شد و هنوز کامل‌ترین تألیف در نوع خود به شمار می‌رود. بعد از برنهایم، دو مورخ بزرگ فرانسوی، شارل سینیوبوس³³ و شارل لانگلوئی³⁴ مقدمه خود را در پژوهش‌های تاریخی انتشار دادند که مقدمه مختصر، اما دقیق و مفیدی بود؛ اما دانشمندان انگلیسی، آموزش و تعلیم را همراه با مثال‌های گوناگون و بدون رجوع به کتاب خاصی در زمینه قواعد و اصول تاریخی انتخاب کردند که تاکنون نیز همین رویه را ادامه می‌دهند.

من قصد بیان اینکه چه وقت تحقیق درباره این علم را آغاز کردم، ندارم. ولی هنگامی که در سال 1923 م از دانشگاه شیکاگو برگشتم و کارم را در دانشگاه بیروت آغاز کردم، تدریس علم روش‌شناسی را بر عهده گرفتم و اولین گامی که در این زمینه برداشتم، این بود که مهم‌ترین تألیفات را در این باره جمع‌آوری کردم. بسیاری از مراجع در این زمینه به زبان بیگانه بود و در عربی به چیزی برخورد نکردم. بنابراین، همان

32. ارنست برنهایم، مورخ شهیر آلمانی در سال 1850 م در شهر هامبورگ به دنیا آمد. او در برلن، هایدلبرگ و استراسبورگ به فراگیری دانش تاریخ پرداخت و با سه مدرک دکتری در سال 1875 م فارغ‌التحصیل شد. از آن پس به تدریس تاریخ در دانشگاه گوتینگن و دانشگاه بن مشغول شد. در سال 1883 م به دانشگاه گرایفسوالد رفت و در دانشکده تاریخ جزء استادان ارشد بود. در سال 1921 م به بالاترین مقام علمی دانشگاه ارتقا یافت. برنهایم به خاطر اینکه یهودی بود، در زمان حکومت نازی‌ها ابتدا فعالیت علمی‌اش محدود و سپس در سال 1933 م از تدریس محروم شد. در سال 1935 م و پس از آن با اعمال قانون نورمبرگ از حقوق شهروندی نیز محروم شد، ولی اعتراض گروهی از دانشمندان به هیتلر، سبب شد تا حقوق شهروندی موقت، دریافت کند. ارنست برنهایم در سال 1942 م در کرایسفولد در گذشت و دوستان قدیمی‌اش، به رغم فشار حزب نازی، جنازه‌اش را در گورستان شهر، بدون خاک‌سپاری دفن کردند. ارنست برنهایم به اثر مهم‌اش به نام *متد تاریخی* که در سال 1889 م نوشت، معروف است.

33. شارل سینیوبوس (1854-1942 م)، مورخ فرانسوی و استاد دانشگاه پاریس بود. او کتاب‌های زیادی درباره تاریخ و تمدن فرانسه و اروپا به رشته تحریر درآورد. بسیاری از آثار او که به وسیله ارنست لاوی و آلفرد رمباد ویرایش شده، در فرانسه به عنوان کتاب درسی مورد استفاده است. مشهورترین کتاب او *تاریخ سیاسی اروپای معاصر* در سال 1897 م به رشته تحریر درآمد. سینیوبوس در تاریخ‌نگاری بر روایات مغرضانه و به دور از ابهام تأکید داشت. وی عمدتاً به تاریخ سیاسی بیشتر از تحولات اقتصادی و اجتماعی علاقه‌مند بود. (مترجمان)

34. لانگلوئی (Charles Victor Langlois: 1863-1929 م)، مورخ و مفسر خطوط باستانی در فرانسه بود. تخصص وی تاریخ قرون وسطی در دانشگاه سوربن بود. وی از سال 1913 م تا 1929 م رئیس آرشئولوژی ملی فرانسه بود. کتاب وی با عنوان *مقدمه‌ای بر مطالعه تاریخ* که با همکاری شارل سینیوبوس نوشته است، از نخستین کتاب‌های راهنمای استفاده از فنون علمی در پژوهش تاریخ به حساب می‌آید. (مترجمان)

وقت مصمم شدم که کتابی به رشته تحریر درآورم و از این راستا خلأ مزبور را پر کنم. این کار محتاج زمان بود و براین اساس به تدریس موضوع به زبان بیگانه پرداختم و به تدریج مثال‌های تاریخی محلی و اصطلاحات فنی عربی را گردآوری کردم. بنابراین، به دو دلیل مجبور به مطالعه و رجوع به علم حدیث شدم؛ نخست، کمک از اصطلاحات محدثین و دوم، ربط دادن آنچه برای اولین بار در زبان عربی وضع می‌کردم، با آنچه تألیف آن در دوره‌های پیشگامان حدیث انجام شده بود.

بنابراین، به مطالعه کتاب‌های علوم حدیث رو آوردم و بیشتر آنها را گردآوری کردم. هر قدر که اطلاعات من افزایش می‌یافت، حرص و ولع من و شگفتی نسبت به نویسندگان آن بیشتر می‌شد. پیوسته واقعه‌ای را که در سال 1936 م در دمشق در هزاره وفات متنبی³⁵ در جشنی که دولت سوریه آن را برگزار کرده بود، به یاد می‌آورم. من از جمله گروه‌های اعزامی به پایتخت اموی‌ها و برگزارکنندگان یادواره شاعر عرب بودم. مدتی در آنجا اقامت داشتم و در آن زمان به نسخه‌های خطی کتابخانه ظاهریه رجوع می‌کردم. آنجا یقین کردم که در مقابل بزرگ‌ترین مجموعه کتب حدیث نبوی در جهان قرار دارم. در این کتابخانه، تعداد قابل توجهی از مهم‌ترین نسخه‌های خطی جهان وجود دارد و بخشی از آن دست‌نوشته بزرگ‌ترین مردان حدیث است. مهم‌ترین چیزی که یافتم، نسخه‌ای قدیمی از رساله قاضی عیاض³⁶ در علم حدیث بود که برای پسر برادرش در سال 595 هجری نوشته است. من بخشی از آن را در بعضی از رساله‌های علم حدیث خوانده بودم. بنابراین، با فتوکپی از آن نسخه‌برداری کردم و پس از مطالعه دقیق آن، دریافتم که از بهترین تألیفات در این زمینه است. قاضی عیاض با این تألیف، به سطح بالایی از درجات علم و دقت در زمان خود رسیده است و با وجود گذشت هفت قرن، در حقیقت امروز، بزرگ‌ترین مردان تاریخ‌نگار، توانایی نوشتن مباحثی بهتر از این کتاب را ندارند. یکی از نمونه‌های دلالت‌کننده بر دقت در تفکر و نتیجه‌گیری هوشمندانه، مطالبی است که با عنوان: «تحریر الروایه و المجيء باللفظ»، جستجوی روایت و ذکر آن به لفظ

35. أبو الطیب متنبی (303-354 هـ / 915-965 م)، شاعری حکیم و یکی از مفاخر ادب عربی است. برخی او را برجسته‌ترین شاعر دوره اسلامی می‌دانند. وی در محله کوفه به دنیا آمد و در شام پرورش یافت. سرایش شعر را از کودکی آغاز کرد و مدتی را نیز در بیابان‌ها به فراگیری ادب و شعر از بادیه‌نشینان گذراند. مهم‌ترین بخش زندگی متنبی زمانی است که وی در دربار سیف‌الدوله حمدانی و کافور اخشیدی گذرانده است. او ابتدا به مدح سیف‌الدوله پرداخت و از او جوایز بسیار دریافت کرد، ولی از او آزرده شد و قصر او را ترک کرد و به کافور اخشیدی پیوست و اشعاری در مدح او سرود، اما از او نیز دلگیر شد. پس از آن، دربارش را ترک کرد و به هجو وی پرداخت. دیوان اشعار متنبی در زمان حیاتش اقبالی تام یافت؛ دیوان وی آکنده از مضامین حکمت‌آمیز و معانی جدید و ابتکاری است و بسیاری از سروده‌های او به صورت ضرب‌المثل در میان ادبا و مردم رواج یافته است. درباره اشعار متنبی و دیوانش کتاب‌ها و تألیفات بسیاری به رشته تحریر درآمده است. وی در راه بازگشت از شیراز به بغداد در یک درگیری، به همراه فرزند و غلامش به قتل رسید. (مترجمان)

36. عیاض بن موسی بن عیاض بن عمرو بن موسی، ابوالفضل یحصبی سبتی (476-544 هـ)، علامه مغربی و مؤلف و فقیه نام‌آور و قاضی سبته و سپس غرناطه و قرطبه بود. او به قاضی عیاض و نیز عیاض بن عیاض، معروف است. کتاب‌های الشفاء فی شرف المصطفی، ترتیب المدارک و تقریب المسالک، العقیده، شرح حدیث ام زرع، کتاب معروف جامع التاریخ، مشارق الانوار فی اقتفاء صحیح الآثار، الإلماع الی معرفه اصول الروایه و تفسیر السماع و تعدادی دیگر از کتب مفید، از تصنیفات اوست. قاضی عیاض در اصل از اهالی اندلس بود، جدّ او از اندلس به شهر فاس در مراکش، مهاجرت کرد و بعد از فاس در شهر سبته، سکنا گزید. او در علم حدیث، فقه، لغت و ادبیات عرب، تاریخ و انساب، سرآمد روزگار خود بود. وی بیش از یکصد استاد را شاگردی و ده‌ها شاگرد را در فنون مختلف، تربیت کرد. (مترجمان)

مشابه چیزی است که در همین موضوع در کتب فرانسوی در اروپا و امریکا وارد شده است. از سخن قاضی عیاض در این باب، مطالب زیادی را برداشت کرده‌ایم که در «باب تحری النص و المجرى باللفظ»، ذکر خواهد شد.

در حقیقت روش‌شناسی غربی که امروز برای اولین بار با رنگ غربی ظاهر شده است، نه تنها با علم حدیث بیگانه نیست، بلکه با آن ارتباط و پیوند قوی دارد. بنابراین، تاریخ، اول درایت است و سپس روایت، همان‌گونه که حدیث، درایت و روایت است. بعضی از قواعدی که پیشگامان علم حدیث در قرون گذشته برای رسیدن به کنه امر واقع در حدیث، مطرح کرده‌اند، با بعضی از قواعدی که دانشمندان اروپایی ایجاد کردند، در اساس و جوهر خود در شکل‌گیری دانش روش‌شناسی، یکسان عمل کرده‌اند. اگر مورخین اروپایی در دوره‌های جدید بر تألیفات پیشگامان حدیث دست می‌یافتند، هیچ‌گاه تا اواخر قرن گذشته در ایجاد دانش روش‌شناسی تأخیر نمی‌کردند. امروزه می‌توانیم همکارانمان در غرب را ندا دهیم و تأکید کنیم که آنچه به آن فخر می‌ورزند، ابتدا در سرزمین‌های ما رشد یافته است و ما برای تعلیم و آموزش و عمل به اصول و قواعد آن سزاوارتریم.

من اکنون رساله خود را، در علم تاریخ، در برابر خوانندگان قرار می‌دهم، در حالی که قصد خدمت به زبان و کشورم را دارم و تلاش می‌کنم که باب جدیدی برای دانشجویان تاریخ عربی بگشایم که از آنجا به نقاط مجهول پی ببرند و روح علمی جدیدی را که امروز در تألیفات دانشمندان غربی دیده می‌شود، درک کنند.

مورخین هنوز در بیشتر موضوعات تاریخی شیوه درستی را نمی‌پیمایند و به همین دلیل بخشی از زندگانی پیشینیان در دوره‌های گذشته، ناشناخته باقی مانده است. امروزه اکثر تاریخ‌نویسان ما گمان می‌کنند که نوشتن تاریخ، نقل روایت و آشنایی با قواعد زبان است. از نظر آنان اگر شخصی خوب بنویسد و بعضی از متون را فهم کند، صلاحیت نگارش تاریخ را دارد. در حالی که فراموش کرده‌اند که تاریخ، خود علم است و همانند سایر دانش‌ها مانند پزشکی، هندسه و فقه به مقدماتی نیاز دارد و همچون سایر علوم، پژوهشگر تاریخ باید رشد علمی خاصی داشته باشد و طبق شرایط فنی آن علم تربیت شود که در بحث‌های بعدی به آن اشاره خواهیم کرد. شاید من نخستین کسی باشم که در راستای ارتباط بین آنچه دانشمندان ما در حدیث به آن رسیده‌اند و آنچه دانشمندان غربی در این زمینه امروزه وضع کرده‌اند، تلاش می‌کنم.

أسد رستم

شویر لبنان 12 ايلول 1939م